

قریب به اتفاق فقهاء تعداد نجاسات را ازدهه [1] و برخی دوازدهه [2] مورد اعلام کرده اند، از جمله آنها که همه بالاتفاق آنرا ذکر کرده اند نجاست کافر [3] است، کافر یعنی کسی که منکر خدا باشد و برای خداوند متعال شرک قائل باشد. و اینکه رسالت حضرت خاتم الانبیا علیه السلام محمد بن عبدالله - صلی الله علیه و آله - را قبول نداشته باشد و نه به کسی کافر می گویند که ضروری در این معنی، چیزی را مثل نماز و روزه که همه مسلمانان آنرا جزء دین اسلام می دانند منکر شود. [4] فقهاء در این زمینه به آیه شریفه «انما المشركون نجس» [5] و روایات متعدد دیگری، از جمله این روایت که از امام صادق - علیه السلام - نقل شده است «من نصب دیناً غیر دین المومن (دین اسلام) فهو مشرک» [6] استناد می کنند. و از فروعاتی که برای این مسئله ذکر کرده اند این است که تمام بدن کافر حتی مو و ناخن و رطوبتهای او نجس است. [7]

حال که روشن شد چه کسانی در فقه اسلام و شریعت نجس می باشند به کنکاش در آثار بهائیان می پردازیم تا از برخی عقاید آنها آگاه شویم بهائیت فرقه ای است که توسط حسنعلی نوری معروف به بهاء الله به وجود آمده است. قبل از آن به وسایط علی محمد باب که به پیروی از اندیشه های شیخ به خود را رکن چهارم انسان کامل پنداشته بود، با بیت را به وجود آورده بود، وی در آغاز مدعی بود که باب امام زمان (عج) می باشد ولی در نهایت ادعای الوهیت نموده و اعلام نمود که بعداً کسی را به عنوان «من ضحصر الله» خواهد فرستاد. بعد از اعلام علی محمد، حسنعلی نوری مدعی شد که او همان کسی است که علی محمد باب وعده آمدن او را داده است. بعد از آن با ادعای نسخ دین اسلام، نغمه ایجاد دین تازه سرداد و به دین سازی روی آورد. [8] برخی از عقاید بهائیت از قرار زیر می باشد: 1. اعتقاد به الوهیت علی محمد باب و حسنعلی نوری یکی از سخنفین ترین و غیر معقول ترین اعتقادات بهائیت و با بیت اعتقاد به اله بودن باب و حسنعلی نوری است علی محمد باب ادعا کرده است که رفیع ترین مراتب حققت یعنی الوهیت در او حلول کرده آن هم حلولی مادی و جسمانی. [9] این اعتقاد بهائیت با مبانی تمام ادیان آسمانی در تضاد می باشد زیرا در ادیان آسمانی الوهیت مختص حضرت حق، پروردگار و خالق جهان و جهان است و در این مقام هیچ کس و هیچ چیز با او شریک نیست. 2. اعتقاد به مقام نبوت علی محمد و رهزنا حسنعلی بهائیان می گویند: مقام قائم موعود به حکم برخی آیات قرآن کریم، مقام اصالت و نبوت است. [10] اما شریعت می گوید: قائم موعود تابع قرآن مجید و شریعت خاتم الانبیا علیه السلام - صلی الله علیه و آله - و مقام او مقام خلافت و وصایت و امامت است نه اصالت و نبوت. [11] 3. اعتقاد به قائم موعود بودن علی محمد باب و رهزنا حسنعلی بهائیان می گویند: علی محمد و رهزنا حسنعلی موعود دین اسلام هستند و جمیع انبیا بدان اشارت داده اند و علامات آن در کتابهای آسمانی ثبت است. اما شریعت می گوید: موعود دین اسلام یکی قیامت کبری است و دیگری ظهور بقیة الله ارواحنا له الفداء که در قرن سوم هجری در سر من راه متولد شد، نام مادرش نرجس می باشد. 4. اعتقاد به نسخ دین اسلام بهائیان می گویند: مقام قائم موعود، مقام شارع است نه تابعیت، [12] و نه زمینی گویند قائم در هنگام ظهورش حکم به نسخ دین اسلام می کند و بتشریع شرعی جدیدی را از اسلام می پردازد. [13] اما شریعت می گوید: قائم موعود، تابع قرآن مجید و شریعت خاتم الانبیا علیه السلام - صلی الله علیه و آله - و مجدد و محیی همان دین اسلام است و صاحب کتاب جدید و آورنده شرعی جدید نیست. [14] خلاصه آنکه بهائیان: اولاً مدعی الوهیت باب و بهاء و منکر خاتمه دین نبی مکرم اسلام هستند، ثانیاً منکر احکام ضروری دین مثل نماز، روزه و... بوده و آنها را منسوخ می دانند. ثالثاً نه تنها منکر وجود نازنین حضرت بقیة الله الاعظم هستند بلکه دشمن او می باشند. در نتیجه می توان گفت که علت نجاست آنان، کفر آنان می باشد و ادله ای که به نجاست کفار و مشرکین دلالت دارند، آنها را نه از در بر می گیرند.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

1. توضیح المسائل مراجع عظام، قسمت نجاسات.

2. بهاء متدین است، ابوتراب هدائی. به نقل از سایت محاکمه

3. تاریخ جامع بهاء مت، بهرام افراسابی.

4. وسائل الشریعه، حر عاملی، ج 1، کتاب الطهاره، ابواب مقدمه عبادت باب 2. [1]. خمینی، تحریر الوسیله، نجاسات، قم، اسماء 1. ان نجفی، ط دوم، 1390 هـ ق، ج 1، صفحه 114، مسأله 1. [2]. رساله توضیح المسائل با متن فتاوی آقای بروجردی و حواشی آیات عظام، جوادان و فراهانی، علم 4، مسئله 84، ص 26. [3]. محقق حلی، شرح الاسلام، دارالاضواء، بروت، ط دوم، 1403 هـ کتاب الطهاره، ج 1، ص 53. [4]. رساله توضیح المسائل مسئله 107، ص 30. [5] توبه/28. [6]. حر عاملی، وسائل الشریعه، الاحادیث، قم، ط اول، 1409 هـ ق، ج 1، کتاب الطهاره، ابواب مقدمه عبادت، باب 2، ح 3، ص 30. [7]. رساله توضیح المسائل 108، ص 31. [8]. زاهدانی، سید سعید زاهد، بهاء مت در ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ط دوم، 1381، ص 97. [9]. عامر النجار، البهائیه و جذورها البابیه، دارالمنتخب العربی، ط اول، 1419 هـ ق، ص 44. [10]. بهائی چه می گوید، جواد تهرانی، مشهد، ط دوم، 1341، ج 2، ص 2. [11]. همانص 76. [12]. همان، ص 2. [13]. همان، ص 93. [14]. همان، ص 76